

موسیقی در ایران باستان

تاریخچه کتاب و کتابخانه های شاهنشاهی ایران
رکن‌الدین همایونفرخ
مدیرعامل کتابخانه‌های عمومی شهرداری تهران

موسیقی

سطح پیشرفت و تکامل موسیقی در هر ملتی نشانه بارز و گویا و مستند و مستدل بر اوج فکری و روحی و معنوی آن ملت تواند بود و بهترین معیار و مقیاس از لحاظ ارزیابی قوه ابداع و تفکر و تخیل و آفرینندگی ذوقی آن قوم است.

ملت ایران از قدیمترین ازمینه با موسیقی آشنایی داشته و بسیاری از ادوات و اسبابهای نوزاندگی را از مخترعات ایرانیها ثبت کرده اند. ایرانیها در ساختن پرده ها قطعات و آهنگ های موسیقی یکی از ملل انگشت شمارند و می توان گفت نخستین ملتی هستند که برای ثبت آهنگها به اختراع خط مخصوص توفیق یافته اند. خط ویش دبیریه را ایرانیها بهمین منظور اختراع کرده بودند و این خط را با آن اندازه کامل و جامع خوانده اند که میتوانسته اند با آن اصوات مختلف را مانند نغمه های پرندگان - آهنگ وزش نسیم و صدای امواج دریا و نوای آبشار، ثبت و ضبط کنند.

با توجه باینکه ایرانیها نوت برای موسیقی اختراع کرده بوده اند مسلم است که در علم موسیقی هم پیشرفت های قابل توجهی داشته اند.

موسیقی از زمان هخامنشی ها در دربار شاهنشاهان ایران مقامی ارجمند داشته است و پادشاهان اشکانی نیز به موسیقی و اپرا - تاتر - توجه مخصوص میدادند. مقام و منزلت موسیقی در دوران ساسانیها داستان شگفت انگیزی است که بیان آن در این مختصر ننگد. همین انداز بسنده میکند که آنچه از موسیقی ایرانی زمان باستان برای ما بجا مانده بیشتر نام هایی است از دستگاه ها و گوشه ها و پرده ها باقی مانده است و برای نمونه بذکر مختصری از آنها مبادرت میورزد. و همین نام ها بهترین گواه بر غنی بدن موسیقی ایرانی و عظمت و عمق آن در دوران باستان است.

زیرافکند - اصفهان - زنگوله - رهاوی - گوشت گردانیه - سلمک - نوروز - شهناز - دوستگانه - خش سرا - نوبهار - گلستان - بوستان - مهرگان - دلگشا - جانفزا - بزم افروز - زنده رود - مزدکانی - نهفت - ماهوری - جامه دران - بیدگانی - چوپانی - گلریز - خارا - دستان - بسته نگار - چهارپاره - نشابورک - شکسته - خسروانی - مهربانی - گشایش - خوارزمی - فروددلکش - داد - خاوران - آشوروند - سروش - راک - پروانه - شهر آشوب - چکاوک - راوندی - موره - دلنواز - سوز و گداز - راز و نیاز - مویه - زنگ شتر - تخت تاقدیس - شاه ختایی - مداین - نهاوند - پهلوی - خجسته - بوسلیک همایون - نوا - پسندیده - دلنشین - سوزناک.

نظر غانی و نهایی ما از بحث درباره سیر تحول ادبیات و فلسفه و هنر در ایران باستان استفاده برای اخذ دو نتیجه است که اینک بطرح آن می پردازیم.

نتیجه ۱:

با تحقیقات و اکتشافات نوین که در علم تورات بعمل آمده است نمیتوان منکر اثرات موروثی گردید. هم چنانکه آثار و علایم مشهور وراثت در جوارح و اعضا و خون آدمی حاکم است در سلولهای مغزی و نحوه تفکر و ذوقیات او نیز دخالت تام دارد. بطور مثال میتوان گفت اگر از میان انسانهای وحشی فردی را برگزینند و با عالی ترین روش پرورش او را بپرورند ممکن است با کوششهاییکه مبدول میگردد چنین فردی از راه خاندن و فراگرفتن آنچه را با او میاموزند فراگیرد لیکن مغز او نمیتواند از آنچه باو یکباره داده شده است تراوشهای تازه ای داشته باشد و بیش از آنچه گرفته است پس دهد. مغز و خرد این چنین رفتار درست به نوار ضبط صوت می ماند که جز آنچه ثبت کرده اند دیگر قادر نیستند از خود چیزی برآن بیفزایند.

مغز آدمی نیاز پرورش فکری دارد. و اگر سابقه این ورزش در اثر تورات موجود نباشد قوه ابداع و اختراع آن بسیار ضعیف و ناتوان است. مغز آدمی باید زمینه پرورش ورزش قبلی داشته باشد تا بتواند افکار تازه و نو ابداع کند بر آنچه فرا میگیرد خود چیزی بیفزاید و بیافریند.

برای گروهی این اشتباه دست میدهد که: سخن از گذشته راندن و بافتخارات گذشته مباحی و مفتخر بودن چه ثمر دارد؟ میراث گذشته و از میان رفته چه بهره و سودی برای نسل حاضر و آینده میتواند داشته باشد؟

کسانیکه اینگونه میاندیشند سخت در اشتباهند زیرا: میراث گذشته بسیار گرانبها و ارزنده است. از میراث گذشته نباید به ذخایر مادی آن چشم داشت. آنچه ارزش و عظمت دارد، **میراث معنوی است**، میراث معنوی هم تنها وجود آثار و یا علوم مدون و موجود نیست، **بزرگترین میراث ارزنده هر قوم وجود نسل پرورش یافته آنست.**

آنگاه که ما بدانیم ملت ایران در وطن سه هزاروپانصد سال تاریخ تمدن خود پیوسته بدایع و صنایع و هنر و ادب و فکر بجهان عرضه داشته و مغزهای متفکری پرورانده و در دانش و علوم بشری سهمی بزرگ ایفا کرده است و پایه بیشتر علوم و دانشهای امروز بر اساس تجربیات و تفکرات او پایه گرفته و نسل امروز وارث آنچنان تمدن درخشانی است، شکی باقی نمی ماند که این نسل پرورش یافته با آمادگی قبلی و موروثی بسرعت میتواند آنچه را امروز در جهان علم و دانش پدید آمده فرا گیرد و خود نیز بر آن سهمی بیفزاید و در ابداعات و اختراعات جهان کنونی شریک و انباز باشد.

آنچه از تحقیق و تتبع درباره قدمت و دیرینگی فرهنگ و هنر در ایران برای ما ارزنده و قابل توجه است، ایمان و اعتقاد راسخ باینست که **بدانیم وارث بزرگترین گنجینه های جهان همان آمادگی فرکی و مغزی است**، هستیم و استعدادهای گرانقدری داریم که آماده برای هر گونه تحول و پدیدآوردن ابداعات و اکتشافات تازه است.

همان استعداد و آمادگی و همان نبوغ و خمیرمایه ای که توانست پس از هجوم اسکندر قد برافزاد و شاهنشاهی اشکانی را بوجود آورد. **همان سرمایه و مایه ای که توفیق یافت تمدن اسلامی را پایه و اساس بگذارد.** همان هوش و فطرتی که بر هجوم وحشیانه مغول مهار زد و از بیابان گردان تاتار و غولان مغول بی بند وبار، حامیان و مروجان فرهنگ و هنر پرورش داد.

نتیجه ۲:

بررسی اجمالی پیرامون هنر و ادبیات دوران قبل از اسلام این حقیقت را برای ما روشن می سازد که نیای تصور کرد آثار گویندگان و متفکران بعد از حمله عرب به ایران و ظهور کسانی مانند مسعودی مروزی - دقیقی - رودکی - پیروز مشرفی - غضایری رازی - عنصری - فرخی - عسجدی - فردوسی - ناصر خسرو - که بان رفت و لطافت و انسجام آثاری در زبان دری بوجود آورده اند و یا وجود متفکذانی چون فارابی - بیرونی - ابن سینا - رازی - اینها همه متعلق بیک دوران سیصد یا چهار صد ساله است؟ چنین تصویری سخت بازل و اشتباه است زیرا: امکان ندارد یک زبان نارس و یا تمدن سیصد چهار صد ساله بتواند و قادر باشد آنچنان آثار بلند و فصیح و بلیغ و اشارات و کنایات لطیف و عمیق و دل انگیز بوجود آورد.

با آثار و شواهدی که در دست داریم و در صفحات گذشته بدان اشاره کردیم، ایرانیها طی چهار هزار سال تمدن و اندیشه و تفکر و تالیف و تصنیف کتابها و رساله ها توفیق یافته بودند، ادبیاتی جهانی، در قلمرو فرمانروایی معنوی خود بوجود آوردند و در ارزیابی این آثار همین بس، که بگوییم هجوم اسکندر و حمله عرب، هیچیک در برابر قدرت و نیرو و نفوذ این میراث گرانقدر فکری، تاب پایداری و مقاومت نیاورد و در اندک زمانی مقهور و منکوب این تمدن درخشان و فرهنگ و هنر تابان شد، و بزودی در آن مستهلک گردید تا آنجا که، هم امروز **تمدن اسلامی رنگ تمدن خالص و کامل ایرانی دارد و حتی هنر و ادبیات ایران توانست از نفوذ سیاسی اسلام استفاده کند و تا اقصی نقاط جهان همراه با سپاهیان آن پیش رود و در فتوحات سیاسی اسلامی سهیم و شریک باشد.** در قصر الحمای اندلس و آثار و انبیه مراکش و تونس و الجزایر و مدرس و دهلی و گجرات تا ساحل عاج و زنگبار و جزایر سوماترا و اندونزی آثار هنر و تمدن ایرانی را میتوان دید.

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/books>